

بِفَضْلِكَ غَدَاءَ الْبَرِّ الْلطِيفِ تَفْعَلُ

بفضل خود عشر ادا دل مهر علی اطف لشده یعنی امار

ذَلِكَ بِي تَطَوُّلاً عَلَى إِلَى غَايَتِي هَذِهِ

یا من از روی فضل بر من تا من غایت که رسید

لَا أَعْدَمُ بَرَكَتَكَ وَلَا يُطْعِمُنِي بِحُسْنِ

هرگز کم نیکنم مهر علی ترا و در ناک میکند نسبت من سلولی

صَدِيقِكَ وَلَا تَنَاقُذُ مَعَهُ ذَلِكَ ثِقَتِي

آسان تو و محکم نیست با وجود مهر اعتماد من

فَاتَفَرَّغَ لِمَا هُوَ أَحْظَى لِي عِنْدَكَ قَدْ

تا بر دازم تا کنان بهره دهم ترا نزد من بچشم

مَلَكَ الشَّيْطَانُ عَنِّي فِي سُوءِ الظَّنِّ

که مالک شیطان است عمنان مرا در سوء الظن و

وَضَعُفِ الْيَقِينِ فَأَنَا أَشْكُو أَسُوءَ

و سستی یقین پس من شکوه میکنم از مردی

مُجَاوِرَتِهِ فِي طَاعَةِ نَفْسِهِ لَوْ اسْتَعْجَلْتُ

همسایگی او مرا و فرمان بردن نفس من مرا و او را و دین

۱۲۹
۴۴
مِنْ مَلَكِيَّتِهِ وَاتَضَرَّعُ إِلَيْكَ فِي

تَوَاضَعُ لِسُلْطَانِهِ
۴۵
أَنْ تُعْجَلَ لِي رِزْقِي سَيِّدَ الْفَلَاحِ

۴۶
الْحَمْدُ عَلَى ابْتِدَائِكَ بِالنِّعَمِ الْجَسَامِ

۴۷
وَالْهَامِكِ الشَّكْرِ عَلَى الْإِحْسَانِ

۴۸
الْإِنْعَامِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلِّمْ

۴۹
عَلَى رِزْقِي وَأَنْ تُفْنِعَنِي بِتَقْدِيرِكَ

۵۰
لِي أَنْ تُرْضِيَنِي بِخَصَّتِي فِيمَا قَسَمْتَ لِي

۵۱
وَأَنْ تَجْعَلَ مَا زَهَبَ مِنْ جَسَمِي وَغَمِّي

فَسَبِّحْ طَاعَتِكَ إِنَّكَ خَيْرُ الْوَاقِعِينَ

در یاد طاعت تو سبک و سبکتر از هر روزی و سبکتر از هر روزی

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ تَغْلَظُكَ

خدایا من از آتشی که بر تو غلبه کند و بر تو غلبه کند

عَلَى مَرْعَصَاكَ وَتَوَعَّدْتَ بِهَا مَن

از مزارع تو و تو وعده دادی به آن که

صَدَفَ عَزْرُضَاكَ وَمِنْ نَارٍ نُورُهَا

سبک و سبکتر از تو و از آتشی که نورش

ظُلُمَةٌ وَهَيْئَتُهَا أَيْلَمٌ وَيَعِيدُهَا قَرِيبٌ

تاریکی و هیئت آن ایلم و وعده آن نزدیک

وَمِنْ نَارٍ يَأْكُلُ بَعْضُهَا بَعْضٌ وَبَصُولُ

و از آتشی که بعضی آن را می خورد و بعضی آن را

بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ وَمِنْ نَارٍ تَدْمُرُ

بعضی آن را بر بعضی و از آتشی که ویران

الْعِظَامَ رِيًّا وَتَسْقِي أَهْلَهَا حَمِيمًا

استخوان را ری و تسقی اهلی آن را با گرمی

مِنْ نَارٍ لَّا تَنْفِي عَلَى مَنْ تَضَرَّعَ

إِلَيْهَا وَلَا تَرْحُمُ مَنْ اسْتَغْطَفَهَا وَلَا

تَقْدِرُ عَلَى التَّخْفِيفِ عَمَّنْ خَشَعَهَا

وَأَسْتَسْلِمَ إِلَيْهَا تَلْفِي سُكَّانِهَا حَرًّا

مَا لَدَيْهَا مِنْ لَبِيبِ النَّكَالِ وَشَدِيدِ

الْوَبَالِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عِقَابِهَا

الْفَاغِرَةِ أَقْوَاهُهَا وَحَيَاتِهَا الصَّقَا

يَأْنِيَابِهَا وَشَرَابِهَا الَّذِي يُقَطِّعُ

امعاء وافئدة سكانها وبتبرع

بودند و دلهای ساکنان شهر را و بکنند

قلوبهم واستهديك لما باعد منها

دلهای ایشان را و از آن بگویم آنچه دور از ایشانست

واخر عنها اللهم صل على محمد وآله

از آن شهر و موقوف سازد خداوند رحمتش بر محمد و آل او

واجري منها بفضل رحمتك و

و ستاده مرا از آن بفضل رحمت خود

اقلني عشراتي بحسن اقلني ولا

و در گذران از من بفرستای مرا بیستوی در گذشتن تو و

تخذلني باخیر المجيرين اناك تقى

خوار گردان مرا ای بهترین پناه و پندگاران در سبک پناهگاه

الكرهية وتعطي الحسنه وتفعل

ناخوشی و عطا میکنی خوبه را و میکنی آنچه

ما تريد وانت على كل شيء قدير اللهم

آنچه میخواهی و تو بر هر چیزی سوار توانی خداوند

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ إِذَا ذَكَرْتَ الْأَبْرَارَ

در وقت بخت بر محمد و آل او هرگاه یاد کرده شود بخت

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مَا اخْتَلَفَ

در وقت بخت بر محمد و آل او تا در اسمی بخت

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ صَلَوةٌ لَا يَنْقَطِعُ

شب و روز و رستی که منقطع نشود

مَدَّتْهَا وَلَا يَحْضُرُ عِدْرُهَا صَلَوةٌ

مردان و ستمه نشود عدوان رستی که

تَشْحَنُ الْهَوَاءَ وَتَمْلَأُ الْأَرْضَ وَ

بر بلند هوا را و مملو سازد زمین و

السَّمَاءَ صَلَّاهُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى

آسمان را بخت نصرت خدا بر او و آل او تا

يَرْضَى وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعْدَ

رضی شود و رحمت خود بر او و آل او بعد از

الرِّضَا صَلَوةٌ لَا حِدَّهَا وَلَا مُنْهَى

در ارض شدن و منعی که نباشد از برای بی غایتی

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

وَمَا مِنْ عَائِلَةٍ عَلَيْهِمْ إِلَّا غَدَاةٌ مِنْ عِلْمِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعْتَذِرُ لِرَاۤیِکَ مِنْ مَظْلُوْمٍ

ظَلِمْتُ بِحَضْرَتِکَ فَلَمْ اَنْصُرْهُ وَمِنْ مَعْرُوْمٍ

اَسَدَّیْ لِّیْ فَلَمْ اَشْکُرْهُ وَمِنْ مُسِيءٍ

اَعْتَدَ لِّیْ فَلَمْ اَعْذِرْهُ وَمِنْ دُوْیٍ

فَاَقَعْتُ سَاۤیِلَیْ فَلَمْ اَوْثِرْهُ وَمِنْ حَقٍّ

حَقٍّ لِّزِمَنِیْ لَوْ مِنْ فَلَمْ اَوْفِرْهُ وَمِنْ

وَمِنْ النِّقْصِ

عَبَسَ

عَيْبِ مُؤْمِنٍ ظَهَرَ لِي فَلَمْ أَسْتُرْهُ وَ

و از عیب کسی که ظاهر شده باشد مرا ای سرور پنهان نگذارم

مِنْ كُلِّ اِثْمٍ عَرَضَ لِي فَلَمْ أَهْجُرْهُ

و از هر گناهی که عارض شده باشد مرا ای سرور دوری نکردم

اَعْتَذِرُ لَكَ يَا اَللهُ مِنْهُنَّ وَمِنْ

از آن عذر میگویم تو ای خدا ای من از اینها و از آنهایی

نَظَائِرِهِنَّ اَعْتَذِرُ نَدَامَةً يَكُونُ

اینها عذر میگویم از روی کسب ندامت ای سرور

وَاَعْظَا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنْ اَشْبَاهِهِنَّ

و بزرگترین آنهایی که در پیش من است از اینها و از آنهایی

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ نَدَامَتَهُ عِلًّا

پس درود بفرست بر محمد و بگردان آن ندامت را بر او

مَا وَقَعَتْ فِيهِ مِنَ الزَّلَّاتِ وَ عَزِّمِ

آنچه افتاد در آن از لغزشها و بزرگتر

عَلَى ثَرْكِ مَا يَعْزُضُ لِي مِنَ السَّيِّئَاتِ

بر ترک آنکه عارض میشود از گناهات

وَاللهُ

تَوْبَهُ تَوْجِبُ لِمَحَبَّتِكَ يَا مُحِبَّ

توبه که موجب برداشتن از برای من دوستی مرا ای دوستدار

وَكَانَ التَّوَّابِينَ مُرْفَعَةً

توبه کنندگان

عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ خَتَمِ الْفَرَّانِ

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْنَتَنِي عَلَى خَتَمِ كَلْبِكَ

ای خداوند ایستادگی تواری دادی مرا بر عسرت کردن کتاب خود

الَّذِي نَزَلَتْهُ تَوْرًا وَجَعَلْنَاهُ مِثْمِنًا

که پنداده ای را توره و گردانیده ای را

عَلَى كُلِّ كَلْبٍ أَنْزَلْنَاهُ فَضْلًا وَعَلَى

بر هر استی که پنداده و زبانی داده بر

كُلِّ حَدِيثٍ قَصَصْنَاهُ وَفُرْقَانًا قَسَمْتَ

بر سخن که جانمزه ای را و رسیده ای را هر سخن که صدای

بِهِ يَبْزَحُ لَكَ خَرَامًا وَفُرْأَنَا

بسیار میان حلال خود و حرام خود و مجسم کرده شده

عزیز

اَعَزَّيْتَبِهِ عَنْ شَرِّ اَصْحَابِك

که ظاهر ساخته مان طریقه های احکام خود را

وَكَا بِأَفْضَلَتِهِ لِعِبَادِكَ تَفْصِيْلًا

و آن مگر تفصیل داده اند از برای مردم که تفصیل دادند

وَحَيًّا أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ

و وحی که فرستاده مان بر پیغمبر خود محمد

صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَإِلَيْهِ تَرْجِعُونَ

صلوات تو بر او باد و الی او و ستاد می

جَعَلْتَهُ نُورًا يَهْدِي بِهِ مَنْ ظَلِمَ

و گردانیدی از نور تو که راه می یابم مان از تاریکی های

الضَّلَالَةِ وَالْجَهَالَةِ بِاتِّبَاعِهِ وَ

لرستی و نادانستی بپیشروی آن

شِفَاءً لِمَنْ أَنْصَتَ بِفَهْمِ التَّصَدِّيقِ

و شفای آنرا برای کسی که گوش می دهد بپیشبردن از روی تصدیق

إِلَى اسْتِمَاعِهِ مِنْ أَنْزِلَ فُسْطُ لَا يَحْفُ

بسیار شنیدن آن و فراز وی علی که میگردد

عَنِ الْحَقِّ لِسَانَهُ وَنُورَهَا كِي لَا يَطْفَأُ

از حق زمان او و نورش بهیچ چیز نمیرسد

عَنِ الشَّاهِدِ بِبُرْهَانِهِ وَعِلْمِ نَجَاةٍ لَا

از حاضران دلیل برهان و علم نجات

يُضِلُّ مَنْ كُنَّ قَصْدُ سُنَّتِهِ وَلَا ثَنَالُ

که راه می شود هر که قصد کرده کیست طاعت آن و علم

أَيْدِي الْمَلَائِكَةِ مِنْ تَعَلُّقِ بَعْزِهِمْ

دستهای ملائکه از تعلق بعضی از آنها

عِصْمَتِهِ اللَّهُمَّ فَازِ افْدِنَا بِالْمَعُونَةِ

کام او است او خداوند ایس جان وادی ما را با برهان

عَلَى نِيْلٍ وَنِيْلِهِ وَسَمَّيْتُ حَوَاشِيَ السُّنَنِ

و هموار کردی و بنامهای حاشیه های سنن

بِحُسْنِ عِبَارَتِهِ فَاجْعَلْنَا مِنْ رِعَا

بیت خوبی عبارت آن پس کرد این ما را از هر که عاریت

حَوْرٍ عَلَيْهِ وَيَدُ بَنٍ لَكَ بِاعْتِقَادِ

از احاطه رحمت آن و میدی کن ترا با اعتقاد در دل نهادن

التَّكْوِينِ الْحَكِيمِ إِلَيْهِ يَفْزَعُونَ

مرامات محمدان را وین دزد لبوی

الْأَفْزَازِ مُنْشَأِبِهِ وَمَوْضِعَاتِ

فراغت این دو وضع کرده شد

يُنَايَةِ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَا

روشنایان چند بودند و بیشتر در دست و آزار

نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

بسم الله الرحمن الرحيم

نَحْمَدُكَ يَا وَلِيَّ السُّلْطَانَةِ وَالْمُلْكَةِ عِلْمَ عَجَائِبِ مُكْمَلِ

که مجله بود و اندر صحیح در دل او دشته عجایب از کمال کرد

وَرَزَقْنَا عَلَيْهِ مُمْسِرًا وَفَضَّلْنَا

و میراث دادی ما را علم از آنکه نقشه کرده خن و تیر باد

عَلَىٰ مَنْ جَهِلَ عَلَيْهِ وَفَوَيْتُ عَلَيْهِ

مرا که ندانست علم از او و وفات دادم به او را که

تَرْفَعَا فَوْقَ مَرْكَلٍ يُطَوِّحُ بِهِ اللَّهُمَّ

۱۳۰۶ - ۱۳۰۷

فَمَا جَعَلَتْ قُلُوبَنَا لَهُ حُمْلَةً وَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَرَفْتَنَا بِرَحْمَتِكَ شَرْفَهُ وَفَضْلَهُ

وَسَخَّرَ سَائِدَتِي بَادِي رَحْمَتِ تَوْهِيدِهِ كَوَارِثِي أَنْ فَضَّلَ أَنْزَلَ

فَضَّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ وَعَلَى آلِهِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِرَحْمَتِكَ خَطِيبُ مَنْ مَنَ وَرَأَى

الْخُرَّانَ لَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْ يَعْزِفُ

كَهَاجَرٍ مَعْدُومٍ أَوْ مَكْرَدَانِ مَادَّ الزَّكَاةَ عَمْرٍ فَتَسْلُبُ

بِأَنَّهُ مُزْعِنٌ عِنْدَكَ حَتَّى لَا يُعَارِضَنَا

بِأَنَّهُ أَنْزَلَ حَافِظَ تَوْهِيدِهِ مَعَارِضُ كُنْزِ مَارِ

الشَّكِّ فِي تَصَدِيقِهِ وَلَا يَحْتَلِمَا

شَاكٍ دَرَضُ لَوْ أَنَّ وَدَّ خَاطِبُ مَنْ مَارِ

الزَّيْغُ عَزَّ قَصْدُ طَرِيقِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ

مُسَبِّحُ رَدِّ لَوْ قَصْدُ رَدِّ رَاهِ لَوْ حَسْبُ وَفَدَّ عَمْرٍ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ يَعْزِفُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَكَرَدَانِ بَادِي رَحْمَتِ تَوْهِيدِهِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِحَبْلِهِ وَيَأْوِي مِنَ الْمُنْشَاهِرَاتِ إِلَى

بسمان آن و نهاده می رواند و سینه های مشقه بخوبی

حَرْزِ مَعْقِلِهِ وَلَيْسَ كُنْ فِي ظِلِّ جَنَّتِ

بجزمه ماه کاران و سالن می شود در سمان

وَلَهْتَدِي بِضَوْءِ صَبَاحِهِ وَتَقْتَدِي

در راه می باید بروی صبح آن و بروی سکن

تَبْلُجُ أَسْفَارَهُ وَتَسْتَصْبِحُ مَصْبَا

بر رخت آن روشنی آن و بزمی او در دریاخانه

وَلَا يَلْتَمِسُ الْهَدْيَ فِي غَيْرِ اللَّهِ

و طلب نمی کند هدیه را در غیر خداوند

وَكَمَا نَصَبْتَ مُحَمَّدًا عَلِمًا لِلدَّلَالَةِ

و چنانکه بر پا داشتی محمد را نشانه از برای دلالت

عَلَيْكَ وَانْهَجْتَ بِهِ سُبُلَ الرِّضَا

بر تو و در سبک راهی مال او را بهای مستودی

إِلَيْكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ جَعَلْ

پس تو را بخت بر محمد و آل او و گردان

الْقُرْآنَ وَسَبَّحْنَا لَكَ إِلَى أَشْرَفِ

در آن را و سبیده از برای ما بوی بهترین

مَنَازِلَ الْكَرَامَةِ وَسَلَّمَا نَعْرِجُ

منازل طای کریمت و بزم دوستی که مالار و

فِيهِ إِلَى حِلِّ السَّلَامَةِ وَسَبَّحَا

در آن بوی ح پاکه سلامت و سبیده

نَجْرِي بِهِ النِّجَاةَ فِي عَرْصَةِ الْفَيْهَةِ وَ

ما دشت نایم لبست آن به سعادت در عرصه فیه و

ذَرِيعَةً تَقْدُمُ بِهَا عَلَى نَعِيمٍ دَارِ

و وسیله که مقدم نماید بر نعمت دار

الْقَامَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

ای ممت خداوند از محمد و آل او

أَحْطُطُ بِالْقُرْآنِ عَنَّا نَقْلَ الْكَوْثِ

و می خیزد از قرآن از ما سبیده لبست جان را

وَهَبْ لَنَا حَسَنَ شَائِلٍ الْكَبِيرِ وَافِّ

و بخت ما را حسن شایسته بزرگ و وفای

بِنَاثَارِ الذِّينِ فَاَمُوْا لَكَ يَا اَنَا اللّٰهَ

وَاَطْرَافِ النَّهَارِ حَتّٰی تَطْهِّرَنَا مِنْ كُلِّ

رَدْسٍ يَنْطَهِّرُهُ وَتَقْفُوْنَا اِثَارَ الذِّينِ

اَسْتَضَاؤُ ابْنُوْرِهِ وَاَمْلُ الْاَمَلِ

عَنِ الْاَمَلِ فَبَقِطْعُهُمْ بِحَدِّ غُرُوْرِهِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَاَجْعَلِ

الْقُرْآنَ لَنَا فِی ظِلِّ الْاَلِیَّ اِلٰی مُوْسٰی

وَمِنْ تَرْغَابِ الشَّیْطَانِ وَخَطَرَاتِ

۴۵۶

الْوَسْوَاسِ خَلَسَا وَلَا فَرْقَ امْنَا عَنْ

و سوسه کجاست و از برای قتل جاهای ما از

نَفْلَهَا إِلَى الْمَعَاصِي خَلَسَا وَلَا لِسَنَتِنَا

رفتن آنها بوی گناهان باز دارند و از برای زبانتان

عَنِ الْخَوْضِ فِي الْبَاطِلِ مِنْ غَيْرِ مَا فَتَى

از غور رفتن و باطلی که از دست افتد

خُرْسَا وَكَيْفَ أَرْحِنَا عَنْ قُرَافِ الْأَثَامِ

کدام است و از برای اعضاها از دست کردن گناهان

زَاجِرًا وَمَا طَوَّاتِ الْغَفْلَةُ عَنَّا مِنْ

منع کننده و از برای آنچه در غفلت از دست کرد

تَصَفِّحِ الْأَعْيَانَ نَاشِرًا حَتَّى تُوصِلَ

از نظر کردن صحنه های غرت کنی پس تا ببرد

إِلَى قُلُوبِنَا قَدْ بَحَّائِبُهُ وَزَوَاجِرَ

به دل های ما ببرد آن غیب از او و سبب های زجر

أَمْثَالُهُ الَّتِي ضَعُفَتْ الْجِبَالُ الرُّوَّاقِ

از آنکه گسست از دست کرد کوه های محکم با وجود

عَلَى صَلَاتِنَا عَنْ جَنَابِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ

از روی شستن آن چند او نذر حلال

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارِدُم بِالْقُرْآنِ صَلَاحَ

بر محمد و آل او و در آی در لغت در آن صلاح

ظَاهِرُنَا وَاجِبُ بِهِ خَطَرُ الْوَسَاوِ

ظاهر ما را و مانع شو باین خط در اندک شای و وسوسه

عَنْ صِحَّةِ ضَمَائِرُنَا وَاغْسِلْ إِلَيْهِ دَرَكَ

از درستی ضمائم ما و بپوی بآن درک

قُلُوبِنَا وَعَلَانِيقَ أَوْزَارِنَا وَاجْمَعْ

دلهای ما را و غلافهای کتب ما را و سوار ما را و جمع

بِهِ مُنْشَرَأُ مَوْرِنَا وَارْوِ بِهِ فِي مَوْقِفِ

بآن برکت کارهای ما را و در آن بایست

الْعَرَضِ عَلَيْكَ ظَمَاءُ هَوَا جِرْنَا وَالسُّنَا

عرض کردن بر تو تشنگی که بکامهای ما و سوز

بِهِ حُلَلِ الْأَمَانِ يَوْمَ الْفَرَجِ الْأَكْبَرِ

ما را بامن بکامهای امان روز ترخ بزرگ

فِي شُورِنَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

در روز شورش ما خداوند را بخت بر محمد و آل او

وَأَجْبِرْ بِالْفُرْانِ خَلَقْنَا مِنْ عَدَمٍ مُلْكًا

و تدارک کن بخت از آن درویشم ما را از عدم خستناج

وَسُؤْلِ نَبَايِهِ رَغْدَ الْعَيْشِ وَخَصْبَ

و روان کن بسوی نایبان شرابی عیش را و فراغت

سَعَتِ الْأَمْرِاقِ وَجَنِّبْنَا بِرِضَائِهِ

ساعت را از روزگار و دور ما را از نایبان از غمها

الْمَذْمُومَةِ وَمَذَانِي الْأَخْلَاقِ وَ

و توبه کن و از نایب نیکو و

اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هَوَا الْكُفْرِ وَذَوَا

و نگاهدار ما را از هوا و نایب از کفر و دشمنان

النِّفَاقِ حَتَّىٰ يَكُونَنَّ لَنَا فِي الْفِتْنَةِ

لطفی تا آنکه بود ما شد از برای ما نایب است

إِلَىٰ رِضْوَانِكَ وَجَنَانِكَ قَائِدًا لَّنَا

بسوی رضوان تو و بهشت تو کشنده و ابرار

۲۵۸

فِي الدُّنْيَا عَزَّ سَخَطُكَ وَنَعَايُ حُدُوكَ

در دین از خشم تو و در دنیا از حد تو

ذَائِدًا وَلَمَّا عِنْدَكَ بِتَحْلِيلِ حَلَالِهِ

سع کشیدن و از برای آنچه نزد است حلال بودن حلال

تَحْزِينِ حَرَامِهِ شَاهِدًا اللَّهُمَّ صَلِّ

تسکین کردن حرام آن باری درین خداوند

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَهَوْنٌ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ

بر محمد و آل او و سب آن قرآن نزد

لَمُوتٍ عَلَى أَنْفُسِنَا كَرَبِّ السِّيَاقِ

مرگ بر نفسهای ما از روی در پیش روی

جَهْدًا لَا يَنْبَغُ تَرَادُفُ الْحَشَارِجِ

و مشقت ناله کردن و در تکرار شدن غوغا

لَا ذَا بَلْغَتِ النَّفُوسُ الشَّرَافِي وَفِيلَ

برگاه برسد نفوس بجزئی کردن و لغت نمود

مَنْ رَاقٍ وَتَجَلَّى مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا

که است آلودگی و ظاهر شود ملک الموت برای گرفتن

مَنْ حُجِبَ الْغُيُوبُ رَمَاهَا عَنْ قُورٍ

از پرده های غیبها و اندازد آنها را از زبان

الْمَنَابِيَا سَهْمٍ حَشَّةُ الْفِرَاقِ وَدَافٍ

مهرش با نیزه های حشمت جدائی و پاشنده از

لَهَا مِنْ دُغَافِ الْمَوْتِ كَأَنَّ الْمُسْمُومَةَ

آنها از زهر مرگ چنانچه زهر آلوده است

الْمَذْقُوقِ وَدَنَامِنَا إِلَى الْآخِرَةِ حَيْلٌ

چشیدن آن و زهره های رسد را بسوی آخرت کجاست

وَانْطِلَاقٌ وَصَارَتْ الْأَعْمَالُ قِلَادٌ

و روان شدن و گردن و گردن و قیلاد

فِي الْأَعْنَافِ وَكَانَتْ الْقُبُورُ هِمٌّ

در گردنهای و باشند قبرها آزارمگاه

الْمَأْوَى إِلَى مِيفَاتِ بَوْمِ التَّلَاقِ

مأوی به مفتاح روز بهم رسانیدن

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَبَارِكْ لَنَا

خدایا بر محمد و آل او و مبارک کن برای ما

فِي حُلُولِ ذَا رَيْبٍ لَا وَطُولِ الْمُقَامَةِ

درست و داندن بی غش و دورانی اقامت کرد

بَيْنَ أَطْبَاقِ الشَّرِّ وَاجْعَلِ الْقَبُولَ

میان طباق شرعی حالت و بردن قریب را

بَعْدَ فِرَاقِ الدُّنْيَا خَيْرَ مَنَازِلِنَا

بعد از فراق دنیا بهترین منزلهای ما

اَفْشَحْ لَنَا بِرَحْمَتِكَ فِي ضَيْقِ مَا لَحَدْنَا

باز کن برای ما در رحمت خود در تنگی ما

وَلَا تَقْضِنَا فِي حَاضِرِ الْفِتْنَةِ مُؤَيِّدًا

و رسوا نکن ما در میان حاضران فتنه یار

الْأَمِينَا وَارْحَمْ بِالْقُرْآنِ مَوْفِقَ الْعَرْضِ

ای ایمن کننده ما و رحمت کن قرآن را در موقف عرض

عَلَيْكَ ذُلٌّ مَقَامِنَا وَثَبَّتْ بِهِ عِنْدَ

بر تو خوارگی مقام ما و ثابت است به نزد

اضْطِرَابِ جِسْرِ جَهَنَّمَ يَوْمَ الْمَجَازِ

سزدگزی پل جهنم روز گذشتن از آن

عَلَيْهَا زَكَاةً قَدْ آمَنَّا وَنَجْنَابِهِ مِنْ

لغزین وقت نهایی مارا دینی شد ده مارا ان

كُلِّ كَرْبٍ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَشَدَائِدِ

از هر اندوخته در روز قیامت و از سختیهای

أَمْوَالِ يَوْمِ الظَّامَةِ وَيَبْضُ جُوهُنَا

پولهای روز غلبه کنند و پخش از رویهای

يَوْمَ تَسْوَدُّ وُجُوهُ الظُّلَمَةِ فِي يَوْمِ

روزی که سیاه شود رویهای ظالمان در روز

الْحَسْرَةِ وَالنَّدَامَةِ وَاجْعَلْ لَنَا فِي

سخت و پشیمانی و گردان از برای

صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ وَذَاوَلَا تَجْعَلْ

در سینههای مؤمنان دوستی و گردان

الْحَيَاتِ عَلَيْنَا نَكَاةً اللَّهُمَّ صَلِّ

زندگی ما را بر ما رحمتی خداوند رحمتگر

عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ كَمَا بَلَغَ

بر محمد که بنده تو و فرستاده ات می کنی

رِسَالَتِكَ صَدَّعَ بِأَمْرِكَ وَنَضَحَ

بِسَامِئًا وَشَكَرَ لِرُوحِهَا وَبَسَمَدَانِ

لِعِبَادِكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِيَّنَا مُحَمَّدًا

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

رَحْمَتِي تُو بَرُو باد و آل او در روز قیامت

أَقْرَبَ النَّبِيِّينَ مِنْكَ مَجْلَسًا وَ

مَكْنَةً مُشْفَاعَةً وَاجْلَهَمُ عِنْدَكَ

قَدَرًا وَوَجْهَهُمْ عِنْدَكَ جَاهًا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ

شَرِّفْ بَيْتَانَهُ وَعَظِّمْ بُرْهَانَهُ وَ



ثَقُلْ مِنْهُ إِنَّهُ وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَ

وکران کن ترازی او را و بسدر شفاعت او را و

قَرَّبْ سَبِيلَهُ وَيُضِرْ وَجْهَهُ وَأَنْتُمْ

و نزدیک گردان بسند او را و سفید کن روی او را و

نُورَهُ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ وَأَجِنَا عَلَا

نور او را و بلند کن مرتبه او را و زنده کن او را و

سُنَّتِهِ وَتَقَفْنَا عَلَى مِلَّتِهِ وَخُذْبِنَا

سنت او و ایستادیم بر دین او و ایستادیم بر

مِنْهَاجَهُ وَأَسْأَلُكَ بِنِاسِيبِلَهُ وَ

براه او و بپرسیدم از او و

أَجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ طَاعَتِهِ وَأَخْشَرْنَا

گردان ما را از اهل طاعت او و محو کنیم ما را

فِي مَرْثِهِ وَوَرِدْنَا حَوْضَهُ وَأَسْفِنَا

در گروهِ او و وارد ساز ما را بحوض او و اودان

بِكَاسِهِ وَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

ما را بجام او و درج کن بر محمد و آل او

صلوة

صَلَوَةٌ تُبَلِّغُهُ بِهَا أَفْضَلَ مَا يَأْمَلُ
در جمعی که بر ساقی او را این بخت بهترین است و اگر امید دارد
مِنْ خَيْرِكَ وَفَضْلِكَ وَكَرَامَتِهِ
از خیر تو و فضل تو و کرامت تو
إِنَّكَ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَفَضِيلٍ
درست که تو خداوند رحمت و کرامت هستی و فضل
كَرِيمٍ اللَّهُمَّ اجْزِهِ مَا بَلَغَ مِنْ سَأَلَانِكَ
کریمی خداوند اجزاده را که تا به حد سزاوارت میفرازد
وَأَدَى مِنْ أَيْدِيكَ وَنَصَحَ لِعِبَادِكَ
و ادای دهد از دستهای تو و نصیحت کند برای عبادت تو
وَجَاهَدَ سَبِيلَكَ أَفْضَلَ مَا جَزَيْتَ
و کارزار کرده است در راه تو بهترین آنچه جزا داده
أَحَدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ
یکی را از فرشتگان تو که مقربند
أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ الْمُصْطَفَيْنَ
و پیغمبران تو را که برگزیده اند

وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آلِهِ الطَّيِّبِينَ

و السلام بر او و بر آل او که پاکان

الطَّاهِرِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

و پاکان را کند و رحمت خدا و برکات او

وَكَانَ مِنْ غَايَةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ اعْتَدَّ عَلَيْهِ

أَوْ رَأَىٰ مِنْ الظَّالِمِينَ مَا لَا يُحِبُّ

يَا مَنْ لَا تَخْفَىٰ عَلَيْهِ أُنْبَاءُ الْمُتَظَلِّمِينَ

ای که نهان نیست بر او خسبندگی بنمودگان بظلم

وَيَا مَنْ لَا يَخْجَأُ فِي قِصَصِهِمْ إِلَىٰ

و ای که مخفی نیست در حکایاتهای ایشان

شَهَادَاتِ الشَّاهِدِينَ وَيَا مَنْ قُرِبَتْ

شهادتی دادند بهای کو آمدن و ای که نزد است

نُصْرَتُهُ مِنَ الْمَظْلُومِينَ وَيَا مَنْ بَعْدَ

یار می دادند او ستم رسیدگان و ای که دور است

عشر
الرابع

عَوْنُهُ عَنِ الظَّالِمِ بْنِ قَدْ عَلِمْتَ

مرد که روی آورد از اسم لایق ندان پس بزدان

يَا إِلَهِي مَا نَالَنِي مِنْ فُلَانٍ بَنٍ فُلَانٍ

ای خدا ای که رسیده است من از فلان بن فلان

مِمَّا حَضَرَتْ وَانْتَهَكَهُ مِنْهُ مِمَّا

از آنکه حرام کرده و از آنکه زائد علیه کرده است

حَجَرَتْ عَلَيْهِ بِطَرَفِي نِعْمَتِكَ

از آنچه منع فرموده از روی طغیان در نعمت تو

عِنْدَ وَاعْتَرَاكَ ابْنُكَ عَلَيْهِ

مزار او عطف است ای پسر که او را بر او

اللَّهُمَّ فَضِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْإِلَهِ وَخُذْ

خداوندنا پس رحمت بفرست بر محمد و آل او و بپذیر

ظَالِمِي عَدُوِّي عَنِ ظُلْمِ بَقْوَتِكَ

مرا از ظلم کردن از ستم کردن و از من ظالم را و از

وَافْلَحَ حَذَاهُ عَنِّي بِقُدْرَتِكَ جَعَلْ

و بکن ستمی او را از من بقتدرت خود و گردان

از ستم کردن من خود

لَهُ شُغْلًا فِيمَا إِلَيْهِ وَبَعْجًا عَمَّا

از برای او شغلی نزد خودش و بجزئی از آنکه

يُنَاوِيهِ اللَّهُمَّ وَصِلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

دست می رسد یا خداوند منم وصل کن بر محمد و آل او

وَلَا تُسَوِّغْ لَهُ ظُلْمًا وَاجْسُرْ عَلَيْهِ

و رحمت مدهم او را و ستم کردن بر من و پیوستگی من

عَوْنِي وَأَعْصِمْنِي مِنْ مِثْلِ فَعَالِهِ

بر عینم را و در کاری مرا از کجایم از زاری و کار او

وَلَا تَجْعَلْنِي فِي مِثْلِ حَالِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ

و مکران مرا در مثل حال او خداوند منم صلوات

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِزَّنِي عَلَيْهِ عَدُوُّ

بر محمد و آل او و باری ده مرا بر روی دشمن او

حَاضِرَةٌ تَكُونُ مِنْ غِيْظِي بِشَفَاعَةٍ

حاضر که بود باشد از خشم من برود شفاعتی

مِنْ حَقِّهِ عَلَيْهِ وَفَاءً اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

و از بسند من برود و فانی خداوند منم صلوات

محمد

مُحَمَّدٍ وَاللَّهِ وَعَوِّضَنِي مِنْ ظُلْمِهِ لِي

بر محمد و آل او و عووض من مذهب او از ظلم او

عَفْوِكَ وَأَبْدَلْنِي سُوءَ صَدِيقِي

عفو خود را و بدل آن یاری من بدی کردار او با من

رَحْمَتِكَ فَكُلُّ مُكْرُوهٍ جَلَدٌ دُونَ

رحمت خود را پس هر مکر و بدی اندک است نزد

سَخَطِكَ وَكُلُّ مُرْتَبَةٍ سَوَاءٌ مَعَ جِدَّةٍ

خشم تو و هر مرتبتی بهر سواریت با خود عفو تو

اللَّهُمَّ فَكَمَا كَرِهْتَ إِلَيَّ أَنْ أَظْلِمَ

خدایا و گویا آنچه دوست داشتی برای من آنکه ستم کنم

فَقِنِّي مِنْ أَنْ أَظْلِمَ اللَّهُمَّ لَا أَشْكُو

پس نگاهدار مرا از ستم کردن خدایا و شکایت

إِلَى أَحَدٍ سِوَاكَ وَلَا أَتَعَبُ بِحَالِي

به کسی سوا تو و با منی به هیچ حال

غَبْرِكَ حَاشَاكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاللَّهِ

غیر از تو جان که چنین باشد بر من است بر محمد و آل او

وَصَلِّ دُعَائِي بِالْإِجَابَةِ وَاقْرَأْ

و بهنزد کن دعای مرا با حاجت و مهلت از نماز

شَكَائِي بِالتَّغْيِيرِ اللَّهُمَّ لَا تَقْنِئْنِي

شکایت مرا بقتضای خداوند و نماز مرا

بِالْقَنُوطِ مِنْ رِضَاكَ وَلَا تَقْنِئْنِي

بهمیسه شدن عدل و رضا تو و از نماز من

بِالْأَمْنِ مِنْ رِزَاكَ كَارِكَ فِصْرٍ عَلَيَّ

از ظلم را به ایمن شدن از کار تو پس ایستادگی کن

ظُلْمِي وَ يُخَاضِعْنِي بِحَقِّي وَعَرَفْنِي عَمَّا

ستم من و علیه گذر من بر حق من و بشناسانم از

قَلِيلٍ مَا أَوْعَدْتَ الظَّالِمِينَ وَعَرَفْنِي

تقلید آنچه وعده کرده ستم گذرانندگان و بشناسانم

مَا أَوْعَدْتَ مِنَ الْجَائَةِ الْمُضْطَرِّينَ

مرا آنچه وعده کرده از حاجت بخاراگان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَوَقِّفْنِي

خداوند را بر محبت بر محمد و آل او و توقف ده مرا

لِقَبُولِ مَا قَضَيْتَ لِي عَلَى وَرَضْنِي

برای پذیرفتن حکم کرده برای من و بر من و بر من

اَخَذَتْ لِي مَنِيْ وَ اَهْدِيْ لِي لَبِّيْ هِيْ

ردان مرا که گرفته برای من وانه من و در نهامی من مرا از

اقوم واستعِني بما هو اسم الله

و کج در راه مرا یکی که آن نام برده است

وَلَا كُنْتَ الْخَيْرَ لِي عِنْدَكَ فِي

و اگر خواجه بوده است حیدر من نزد علم تو در

تَأْخِذُ الْآخِذِي وَتَرْكُ الْإِنْفَامِ مِنْ

۱۵۶۳ - ۱۵۷۲

ظَهَرَ إِلَى يَوْمِ الْفَصْلِ وَجُمِعَ الْخَصْمُ

١- اذبحوا ذبائحكم

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَيِّدِي مِنْكَ

مکتبہ دارالکتاب

بَيْنِيَّةٍ صَارِقَةٍ وَصَبْرٍ دَائِمٍ وَأَعِذْنِي

بسم الله الرحمن الرحيم

مِنْ سُوءِ الرَّغْبَةِ وَهَلَعَ أَهْلُ الْحَرَمِ

از خواستش بد و از حرص اهل حرم

وَصَوَّرُ فِي قَلْبِي مِثَالَ مَا ادَّخَرْتَ لِمَنِ

و نگاشتم کن در دل من صورت آنچه ذخیره کرده برای

ثَوَابِكَ وَأَعْدَدْتَ لِمُخْصَمٍ مِنْ جَزَائِكَ

از ثواب خود و مهیا کرده از برای من و من را جزا تو

وَعِقَابِكَ وَاجْعَلْ ذَلِكَ سَبَبًا لِقَبُولِ

و عقاب تو و بگردان جمع من را بسبب برای

بِمَا قَضَيْتَ وَثَقَّتْ بِمَا تَخَيَّرْتَ أَمِينٌ

بما که کرده و برای همان که من را برگزیده ام که

الْعَالَمِينَ لَكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

عالمیان را که تو صاحب فضل عظیمی

أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و تو بر هر چیزی توانا

وَكَانَ مَرْدُ عَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا مَرَّ وَانْزَلَ

بِهِ كَرِبَ أَوْ بِلَيْتِهِ الْخَامِسَ عَشَرَ

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَزَلَّ أَنْتَ صَرَفَ

فِيهِ مِنْ سَلَامَةٍ بَدَنِي وَلَكَ الْحَمْدُ

عَلَى مَا أَحْدَثْتَ لِي مِنْ عِلَّةٍ فِي جَسَدِي

فَمَا أَدْرِيكَ يَا إِلَهِي أَنِّي الْخَالِبِينَ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ

لَكَ وَأَيُّ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ

أَوْ قُبْتُ الصِّحَّةَ الَّتِي هَيَّأْتَنِي فِيهَا طِبًّا

رِزْقِكَ وَنَشِطَّتَنِي بِهَا لِابْتِغَاءِ رِضَاكَ

وَفَضْلِكَ وَقُوَّتِي مَعَهَا عَلَيَّ وَقَفَّتْ

و فضل تو و قدرت و اوده مرا مان صحت را که نوشتی در

لَهُ مُرْطَاعِنِكَ أَمْ وَقَّتِ الْعِلَّةُ الَّتِي

را از رای آن از طاعت خود با وقت جاری

مَحَصَّتْ بِهَا وَالنِّعَمُ الَّتِي أَنْجَفْتَنِي بِهَا

خالم با خسته مرا که بسیار و طاعتی که خفته در دست داده مرا

تَخْفِيفًا لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَى ظَهْرِي مِنْ

بکسر سبک کردن مرا که خوی را که گران شده است بر پشت من

الْخَطِيئَاتِ وَنَظَّهَرًا لِمَا أَنْعَمْتَ فِيهِ

از لغت با آن و بهجت مال رویدن از آن که در دستم درون

مِنَ السَّيِّئَاتِ وَنَبِيْهُ الشَّائِئِ وَالْثَّوْبَةُ

از کت با آن و بجهت آگاه کردن بدین برای من در کت خود

وَنَذِكْرًا لِّلْمُحْوَا لِحْوَبَةِ بِمَقْدَمِ النِّعْمَةِ

و یاد آوردن برای من کردن نشانه بسل نعمت مقدم بود

وَفِي خِلَالِ ذَلِكَ مَا كَتَبَ لِي الْكَاتِبَانِ

و هست در انتهای آن بسیار آنچه نوشته اند برای من در میان

۴۶
۳۶۶

مِنْ رَحْمَةِ الْأَعْمَالِ مَا لَا قَلْبٌ يَفْكُرُ فِيهِ
از رحمت اعمال بخیر که دلی فکر کرده است در
وَلَا لِسَانٌ يُطَوِّقُ بِهِ وَلَا جَارِحَةٌ تَكَلِّفُهُ
و نه زبانی باطوق شدن است آن و نه عفوئی که تکلف کند
بَلْ أَفْضَالًا مِنْكَ عَلَيَّ وَاحْسَانًا
بل از روی فضل تو بر من و احسان آن
مِنْ صَنِيعِكَ إِلَهَ اللَّهِ مُفْصِّلٌ عَلَيَّ
که است تو بخیر کن خداوند است
مُحَمَّدٌ وَإِلَيْهِ وَجِبْتُ إِلَى مَا رَضَيْتَ لِي
محمد و ال او و دوست گردان بخیر که تو را
و كَيْفَ لِي مَا أَحْلَلْتَ بِي وَ طَهَّرْتَ مِنِّي
و چنان گردان برای من آنچه که حلال کرده و پاک گردان مرا از
و كَيْفَ مَا أَسْلَفْتُ وَ أَخْ عَنِّي شَرًّا فَدَفَعْتُ
چرا که آنچه کرده ام پیش ازین و چو نای از من شر را که پیش از
و أَوْجِدُ فِي حَلَاوَةِ الْعَافِيَةِ وَ لَذِيقِي
و میسر و زیاده مرا بشیرینی عافیت و بخت آن مرا



بَرَدَ السَّلَامَةِ وَاجْعَلْ مَخْرَجِي عَنْ عَلَيَّ

سودی سلامت بود و آن برون شد مرا از علت کن

إِلَى عَفْوِكَ وَمُخَوَّلِي عَنْ صَرْعَتِي

بسوی عفو تو و در دین مرا از اشتادان من

إِلَى تَجَاوُزِكَ وَخَلَّاصِي مِنْ كَرْبِي

بسوی در گذشتن تو از ناله من و خلاصی از کربم از درد

إِلَى رَوْحِكَ وَسَلَامَتِي مِنْ هَلِكَةٍ

بسوی راحت تو و سلامتی مرا ازین

الشَّدَةِ إِلَى فَرْجِكَ إِنَّكَ الْمُفْضِلُ

سختی بسوی شادمانی تو در سست و نقصان

بِالْإِحْسَانِ الْمُنْطَوِّلُ بِالْأَمْسَانِ

با حسن و عطا کننده با بخت

الْوَهَّابُ الْكَرِيمُ ذُو الْجَلَالِ الْكَرِيمِ

سپار بخشاینده کریمی صاحب بزرگی و کرامتی

دُرِّ نِیَا أَعْمَالِ شَبَقْدَرِ

۱۵۲
مُتَّحِلِي

مَ . ل

۲۶۲
۲۶۶
ما مبارک رمضان پس بد آنکه اعمال
هر سه قدر برد و نوع است اول
آنکه در شهر میباید که آنها بجا
آورد و هم آنست که مخصوص است
به شبی اول یعنی آنکه هر شب
میباید بعمل آوردن آن پس از جفا
حضرت رسول خدا صلی الله علیه
واله وسلم منقولست که هر که در
شب قدر دو رکعت نماز بخاورد و در
هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه
سوره قل هو الله احد بخواند و بعد
فراغ هفتاد مرتبه استغفر الله و

اَتُوبُ اِلَيْهِ بِكُوبٍ زَجَاخُودٍ بِرُحْبُورٍ
ثَاخٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى وَرَاوِدِهِ
وَمَادِ اَوْرَاقِيَا مِرْزِدِ مَلَكِي چَند بَقَرِ
كِه حَسَنًا بَرَايِ او بِنُويَسند تَا سَالِ
اَيَنده وَ مَلَكِي بفرستند سَوَكِه شَست
كِه دَر خَنَها بَرَايِ او غَرَسَن اَيَدِ قَصَرِ
بَرَايِ او بِنَا كُند وَ نَهْر هَا جَارِي كُند
وَ از دُنْيَا بِيرون نَرُود تَا هَمِه اَمُشَاهِدِ
نَمَايَد وَ غُسْلِ دَر بِنِ شَبِه اَسْنَتِ مَوْتِ كُند
وَ غُسْلِ بِنِ شَبِه اَمَقَارِ غُرُوبِ آفَتِ
كَوَرَنِ بَهْتَرِ اسْتِ كِه نَمَاز شَامِ رَا بَا غُسْلِ
يَكُند وَ مُسْتَحَبِّستِ دَر بِنِ شَبِه اَكْ قَرَانِ

مجید است بکیر و کشاید این دعا

بخواند اللهم انی اسئلك بکتابک

المنزل وما فيه وفيه اسمک الاکبر

واسماء اول الحسن وما يخاف یجی

ان تجعلنی من عتقائك من النار

تقضى حاجی للدنیا والاخرة

یسر حاجت در از حق تعالی طلباید

که انشاء الله برآورده میشود و آنحضرت

اما جعفر صادق علیه السلام منفقو

که مصحف بکبر و بر سر گذاویکو

اللهم بحق هذا القرآن وبحق من رسله

به وبحق كل مؤمن مدحه فيه

بحقك عليهم ولا احد اعز بحقك

منك كبره مرتبه بك يا الله وده

بمحمد وده مرتبه بعلي وده مرتبه فاطمة

وده مرتبه بالحسين وده مرتبه بعلي ابن

الحسين وده مرتبه بمحمد ابن علي وده

ده مرتبه
بالحسن

مرتبه

بِجَعْفَرِ ابْنِ مُحَمَّدٍ وَدُرَّتَبَهُ مُوسَى ابْنِ

جَعْفَرٍ وَدُرَّتَبَهُ عَلِيٍّ ابْنِ مُوسَى وَدُرَّتَبَهُ

مُتَبَهُ مُحَمَّدٍ ابْنِ عَلِيٍّ وَدُرَّتَبَهُ عَلِيٍّ ابْنِ مُحَمَّدٍ

وَدُرَّتَبَهُ بَا حُسَيْنِ ابْنِ عَلِيٍّ وَدُرَّتَبَهُ بَا حُجَّةٍ

بِسْمِ هَرِ حَاجَتِ كِه دَا رِ طَلَبُ كُن وَ

زِيَارَتِ حَضَرِ اِمَامِ حُسَيْنِ عَلَيْهِ

السَّلَامُ دَر هَر يَكِ از مَن سِه شَبَّحِ

مُؤَكَّدَه اَسْتِ زِيَارَتِ ابْنِ اَسْتِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثِ اَدَمِ صَفْوَةِ

سلام بر تو تا دایم میراث برنده بر زنده

اللَّهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ قَوْحِ

خدا سلام بر تو باد ای میراث برده قوح

بَنِي اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

بنی خدا سلام بر تو باد ای میراث برده

إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

ابراہیم دوست خدا سلام بر تو باد ای

وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ السَّلَامُ

وارث موسی کلم سخن خدا سلام

يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ السَّلَامُ

ای وارث عیسی روح خدا سلام

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ جَبَلِ اللَّهِ السَّلَامُ

بر تو باد ای وارث محمد دوت خدا سلام

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَهْلِ الْمُؤْمِنِينَ وَلِي

بر تو باد ای وارث اهل ایمان دوست

اللَّهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مُحَمَّدٍ

خدا سلام بر تو باد ای بن محمد

عَلَيْكَ

بر تو باد

المُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

برگزیده درود فرستاد خدا بر او و آل او

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَیَّ عَلِیَّ الْمُتَقِیَّ

سلام بر نواد ای علی سرافراز

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَیَّ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ

سلام بر نواد ای فاطمه زهرا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَیَّ خَدِیجَةَ الْكَبْرَى

سلام بر نواد ای خدیجه صدیقه

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ

سلام بر نواد ای خون خدا و فرزند او

وَالْوَثْرَ الْمَوْتُورَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ

ای خون صاحب خون گواهی میدهم اینکه بهشتی

أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَأَنْتَ الزَّكَاةَ وَ

برپا داشتی نماز را و عطا نمودی زکوة را

أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ

و امر نمودی به امری و منع نمودی از نهی

وَأَطَعْتَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ حَتَّىٰ آتَاكَ

و سرایان بر داری خدا و رسول او را تا آنکه او ترا

الْيَقِينَ فَلَعنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ

موت پس دور کند خدا از رحمت خود در وی را که کشتید

وَلَعنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمْتَكَ وَلعنَ اللَّهُ

و دور کند خدا از رحمت خود در وی را که ستم کرد بر او و دور کند

أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضَيْتَ بِهِ

از رحمت خود در وی را که شنیدند از این امر و خود را بدان

يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَشْهَدُكَ

ای آقای من ای ابا عبد الله گواهی میدهم که

كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّاحِخَةِ

جمیع نور بودی نور در صلب های پیر

وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ

و رحمهای پاک نشده اند و بر تو نجس نکرده اند

الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلَبِّسْكَ

جاهلیت بخا ستمهای خود و بر تو نجس نکرده اند

۲۶
۲۷۱

مِنْ مُدَّحَاتِ ثِيَابِهَا وَاشْهَدُ أَنْكَ

از جامه های پاره تود و کوبی سدره

مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَنْكَانِ الْمُؤْمِنِينَ

بجست تو از ستونهای دین و درگاههای مؤمنان

وَاشْهَدُ أَنْكَ لِمَامِ الْبِرِّ الشَّقِيُّ

و کوبی سدره است به حق تو استواری سوار بر سدره

الرَّضِيُّ الرَّكِيُّ الْهَادِي الْمُهْدِي

بسنده نال را بهای راه یافته

وَاشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِكَ

و کوبی سدره که بجست میخوان از فرزندان

كَلِمَةُ الثَّقْوَى وَأَعْلَامُ الْهُدَى

کلمه بر سزگاری و نشانهای هدایت

وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ

دست اوزم و حجت اند بر اهل

الدُّنْيَا وَاشْهَدُ لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ

دین و کوبه میگویم خدا را و فرشتگان او را

اَنبِيَاءَهُ وَرُسُلَهُ اَتَىٰ بِكُمْ مُّؤْمِنًا

و پیغمبران او را و رسولان او را من لایق و صدق

وَبَايَا بِكُمْ مُّوَقِنًا بَشِيرًا لِّدِينِهِ وَ

مخبرده ام و بر حجت شما لایق دارم و بشارت دهنده و ادب دهنده

خَوَانِيْمَ عَمَلٍ وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلَامًا

و ای من برای کار خود و دل من و دل شما را صلوات

اَمْرِي لَا مَرْكُكُمْ مُّتَّبِعْ صَلَوةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ

و امر من امر شما را پیروی کنید و رحمت خداوند را بر شما

وَعَلَىٰ اَرْوَاحِكُمْ وَعَلَىٰ اَجْسَادِكُمْ

و بر نفوس شما و بر تنهای شما

وَعَلَىٰ اَجْسَامِكُمْ وَعَلَىٰ شَاهِدِكُمْ

و بر تنهای شما و بر حاضر شما

وَعَلَىٰ غَائِبِكُمْ وَعَلَىٰ ظَاهِرِكُمْ وَعَلَىٰ بَاطِنِكُمْ

و بر پنهان شما و بر ظاهر شما و بر باطن شما

يَسْرُدُ رَكْعَتَ نِمَازِيَا تَبْكُنْدُ

را میخواند و رکعت نماز را میخواند

اگر نماز را پیش از زیارت بکنند نیز بخیر است
و اگر از دور زیارت بکند پس قصد
زیارت علی ابن الحسین بکند و بگوید
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ
سلام بر تو باد ای بن رسول خدا
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ
سلام بر تو باد ای بن نبی خدا
عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ
سلام بر تو باد ای بن امیر المؤمنین
عَلَيْكَ يَا بَنَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ السَّلَامُ
سلام بر تو باد ای بن حسین شهید
عَلَيْكَ يَا شَهِيدَ السَّلَامِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
سلام بر تو باد ای شهید سلام
يَا مَظْلُومَ وَابْنَ الْمَظْلُومِ لَعَنَ اللَّهُ
ای ستم‌رسیده و بن ستم‌رسیده لعنت خدا

أَمَّنْ قَتَلْتِكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّ ظَلَمْتَكَ

کرمی را که کشتی ترا و لعنت کند خدا کرمی را که ظلمت ترا

وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ نِدَاءَكَ فَضَلَّتْ

و لعنت کند خدا امة ای را که شنیدند ندا ترا و گم شدند

بِهِ يَكْرِ قَصْدَ زِيَارَتِ سَائِشَهِ عَلَيْهِ

بسان

السَّلَامُ بِكُنْدِ يَكُونُ بِالسَّلَامِ عَلَيْكُمْ

سلام بر شما

يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَاجِبَاءَهُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ

ای مایوران و دوستان او سلام بر شما

يَا أَصْفِيَاءَ اللَّهِ وَأَوْدَاءَهُ السَّلَامُ

ای برترینان خدا و دودستان او سلام

عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ

بر شما ای مایوران و دوستان او سلام

عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ

بر شما ای مایوران و دوستان او سلام

عليه

عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

بر شما ای یاوران امیر مومنان

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةٍ

سلام بر شما ای یاوران فاطمه زهرا

نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ

زنان جهانان سلام بر شما

يَا أَنْصَارَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ

ای یاوران ابی محمد حسن ابن علی

الرَّكِيِّ النَّاصِحِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا

مال نصیحت کننده سلام بر شما ای

أَنْصَارَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ بَابِي أَنْتُمْ وَأَهْلِي

یاوران ابی عبد الله پدرم و مادرم

طَبَنُّكُمْ وَطَابَتِ الْأَرْضُ الَّتِي فِيهَا

فدای شما و پاک شد زمین که در آن

دُفِنْتُمْ وَفُتِمُ فَوْزًا عَظِيمًا إِنَّا لَنَبْتَ كُنْتُ

دفن شد و شکستید و شدید پیروز شدیم بزرگوار ای کاش

مَعَكُمْ فَأَفُوزَ مَعَكُمْ
 و در هر یک خصوصاً شب بیست و نهم
 صد رکعت نماز سنت هر دو رکعت
 بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد
 ده مرتبه قل هو الله احد میخوانی و در
 بعضی روایات معتبره وارد شده که
 بهفت مرتبه یا پنج مرتبه یا سه مرتبه
 یا یک مرتبه قل هو الله احد اکتفا می
 تواند کرد و احادیث بسیار فضیلت
 این صد رکعت وارد شده و باید که این
 صد رکعت غیر نافله شب ده باشد و
 اگر ضعف داشته باشد نشستم هم میشوند

۲۴۲۱
کرم و بهترین اعمال درین شبها طلب
امری شود دعا از برای مطلب دنیا و
آخرت خود و پدر و مادر و خویشا
خود و برادران مؤمن زنده و مرده است
و اذکار و صلوة بر محمد و آل محمد آنچه
مقدور شود و در بعضی از روایات
وارد شده که دعای جوشن کبیر را
در هر یک از این شب بخوانند
دُعای جوشن کبیر
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا اللَّهُ يَا

رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا كَرِيمُ يَا عَظِيمُ يَا مُفِيمُ
يَا قَدِيمُ يَا عَلِيمُ يَا حَلِيمُ يَا حَكِيمُ سُبْحَانَكَ
يَا إِلَهَ الْإِلَهِ أَنْتَ الْغَوْثُ الْغَوْثُ
خَلِّصْنَا مِنَ الشَّرِّ يَا رَبِّ يَا سَيِّدَ
السَّادَاتِ يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ يَا رَافِعَ
الدَّرَجَاتِ يَا وَلِيَّ الْحَسَنَاتِ يَا غَافِرَ
الْخَطِيئَاتِ يَا مُعْطِيَ الْمَسْئَلَاتِ
يَا قَابِلَ التَّوْبَاتِ يَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ

يا عالم الخفيات يا دافع البليات

ج يا خير الغافرين يا خير

الفاحين يا خير الناصحين يا خير

الحاكمين يا خير الرازقين يا خير

الوارثين يا خير الحامدين يا خير

التواكبين يا خير المنزلهين يا خير

المحسنين يا من له العزوة

الجمال يا من له الفدرة والكمال

يَا مَنْ لَهُ الْمُلْكُ وَالْجَلَالُ يَا مَنْ

هُوَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ يَا مُنْشِئَ السَّمَا

الثَّقَالِ يَا مَنْ هُوَ شَدِيدُ الْحَالِ

يَا مَنْ هُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ يَا مَنْ

هُوَ شَدِيدُ الْعِقَابِ يَا مَنْ هُوَ

عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ يَا مَنْ هُوَ

عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ اللَّهُمَّ إِنِّي

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ

يَا دَيَّانُ يَا بُرْهَانَ يَا سُلْطَانَ
يَا رِضْوَانَ يَا غُفْرَانَ يَا سُبْحَانَ
يَا مُسْتَعَانَ يَا ذَا الْمَنِّ وَالْبَيَانِ
وَيَا مَنْ تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ
يَا مَنْ اسْتَسْلَمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ
يَا مَنْ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ يَا مَنْ
خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ يَا مَنْ
انْقَادَ كُلُّ شَيْءٍ مِنْ خَشْيَتِهِ يَا مَنْ

تَشَقَّقَتِ الْجِبَالُ مِنْ خِيفَتِهِ يَا

مَنْ قَامَتِ السَّمَوَاتُ بِأَمْرِهِ يَا مَنْ

اسْتَقَرَّتِ الْأَرْضُ بِإِذْنِهِ يَا

مَنْ يُبْسِخُ الرِّعْدُ بِجَمَلِهِ يَا مَنْ لَا

يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ يَا

غَافِرَ الْخَطَايَا يَا كَاشِفَ الْعَذَابِ يَا

مُنْتَهَى الرَّجَا يَا مُجْزِلَ الْعَطَايَا يَا

وَاهِبَ الْهَدَايَا يَا رَازِقَ الْبَرَايَا يَا

قاضي المنايا سامع الشكايا يا

باعت البرايا مطلق الأسارى

يا ذا الحمد والثناء يا ذا الفخر

والبهاء يا ذا المجد والثناء يا ذا

العهد والوفاء يا ذا العفو

والرضاء يا ذا المن والعطاء يا ذا

الفضل والقضاء يا ذا العز

البقاء يا ذا الجود والسخاء يا ذا

الْأَلَاءِ وَالنِّعَمِ ط اللَّهُمَّ لِي

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مَانِعُ يَا دَافِعُ يَا

رَافِعُ يَا صَانِعُ يَا نَافِعُ يَا سَامِعُ

يَا جَامِعُ يَا شَافِعُ يَا وَاسِعُ يَا مُسَمِّعُ

يَا صَانِعُ كُلِّ مَصْنُوعٍ يَا خَالِقَ

كُلِّ مَخْلُوقٍ يَا رَازِقَ كُلِّ مَرْزُوقٍ

يَا مَالِكَ كُلِّ مَمْلُوكٍ يَا كَاشِفَ

كُلِّ مَكْرُوفٍ يَا فَارِجَ كُلِّ مُهِمٍّ

يَا رَاحِمَ كُلِّ مَرْحُومٍ يَا نَاصِرَ كُلِّ

مُخَذَّوِلٍ يَا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ

يَا مُلْجِئَ كُلِّ مَطْرُودٍ يَا يَاعُدِّي

عِنْدَ شِدَّتِي يَا رَجَائِي عِنْدَ

مُصِيبَتِي يَا مُوَسِّئِي عِنْدَ حَسْرَتِي

يَا صَاحِبِي عِنْدَ غُرْبَتِي يَا وَلِيَّي

عِنْدَ نِعْمَتِي يَا غِيَاثِي عِنْدَ كُرْبَتِي

يَا دَلِيلِي عِنْدَ حَيْرَتِي يَا غِيَاثِي

عِنْدَ فَتَقَارِي يَا مَلِكِ الْيَمِينِ

اضْطَرَّارِي يَا مُغِيثِي عِنْدَ مَقَرِّي

يَا عَلَامَ الْغُيُوبِ يَا عَفَّارَ الذُّنُوبِ

يَا سَتَارَ الْعُيُوبِ يَا كَاشِفَ

الْكَرُوبِ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ

يَا طَبِيبَ الْقُلُوبِ يَا مُنَوِّرَ الْقُلُوبِ

يَا أُنَيسَ الْقُلُوبِ يَا مُفَرِّجَ الْهُمُومِ

يَا مُنْقِصَ الْغُومِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

بِسْمِكَ

بِاسْمِكَ يَا جَلِيلُ يَا جَمِيلُ يَا كَفِيلُ
يَا وَكِيلُ يَا دَلِيلُ يَا قَبِيلُ يَا مُبْدِيلُ
يَا مُنِيلُ يَا مُقِيلُ يَا مُحْيِلُ يَا
دَلِيلُ الْمُتَحَيِّينَ يَا غِيَاثَ
الْمُسْتَغِيثِينَ يَا صَرِيحَ الْمُسْتَخْرِجِينَ
يَا جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ يَا أَمَانَ
الْمُخَافَةِ يَا عَوْنَ الْمُؤْمِنِينَ
يَا رَحِمَ الْمَسَاكِينِ يَا مُجَاهِدَ الْعَاصِينَ

يَا غَافِرَ الْمُذْنِبِينَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ

الْمُضْطَرِّينَ يَا ذَا الْجُودِ وَ

الْإِحْسَانِ يَا ذَا الْفَضْلِ وَالْإِمْنَانِ

يَا ذَا الْمِنَّةِ وَالْأَمَانِ يَا ذَا الْقُدْرَةِ

وَالسُّبْحَانِ يَا ذَا الْحِكْمَةِ وَالْبَيِّنَاتِ

يَا ذَا الرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ يَا ذَا الْحَمْدِ

وَالْبُرْهَانِ يَا ذَا الْعِظَمَةِ وَ

السُّلْطَانِ يَا ذَا الرَّأْفَةِ وَالسُّتَعَانَ

يَا ذَا الْعَفْوِ وَالْغُفْرِ اِنْ يَوْ يَامِنْ

هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ يَامِنْ هُوَ اِلَهُ

كُلِّ شَيْءٍ يَامِنْ هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ

يَامِنْ هُوَ صَانِعُ كُلِّ شَيْءٍ يَامِنْ

هُوَ قَبْلُ كُلِّ شَيْءٍ يَامِنْ هُوَ بَعْدُ

كُلِّ شَيْءٍ يَامِنْ هُوَ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ

يَامِنْ هُوَ عَالِمُ بِكُلِّ شَيْءٍ يَامِنْ هُوَ

قَادِرٌ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ يَامِنْ هُوَ يَتَفَعَّلُ

وَبَقْنِي كُلَّ شَيْءٍ يَا اللَّهُمَّ إِنِّي

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُؤْمِنُ يَا

مُهِمُّنُ يَا مَكُونُ يَا مُلْقِنُ يَا

مُبِينُ يَا مُحْوِنُ يَا مُكِنُ يَا مُزِينُ

يَا مُعَلِنُ يَا مُقْسِمُ يَا مَنْ هُوَ

فِي مُلْكِهِ مُقِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي

سُلْطَانِهِ قَدِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي

جَلَالِهِ عَظِيمٌ يَا مَنْ هُوَ عَلَى عِبَادِهِ

رَحِيمٌ يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

يَا مَنْ هُوَ مِنْ عَصَاهُ حَلِيمٌ يَا مَنْ

هُوَ مِنْ رَجَاهُ كَرِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي

صُنْعِهِ حَكِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي حُكْمِهِ

لَطِيفٌ يَا مَنْ هُوَ فِي لُطْفِهِ قَدِيمٌ

يَا مَنْ لَا يُرْجَى إِلَّا فَضْلُهُ يَا مَنْ لَا

يُسْأَلُ إِلَّا عَفْوُهُ يَا مَنْ لَا يُنْظَرُ إِلَّا

بِرُّهُ يَا مَنْ لَا يُخَافُ إِلَّا عَذَابُهُ يَا

مَنْ لَا يَدُوقُ إِلَّا مَلَكُهُ يَا مَنْ لَا

سُلْطَانَ إِلَّا سُلْطَانُهُ يَا مَنْ وَ

سَبَقَتْ كُلُّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ يَا مَنْ

سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبُهُ يَا مَنْ

أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمُهُ يَا مَنْ لَيْسَ

أَمْدٌ مِثْلُهُ يَا فَارِجَ الْهَمِّ يَا كَاشِفَ

الْغَمِّ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ يَا قَبْلَ التَّوْبِ

يَا خَالِقَ الْخَلْقِ يَا صَادِقَ الْوَعْدِ يَا

مُؤْفِي الْعَهْدِ يَا عَالَمَ السِّرِّ يَا فَالِقَ

الْحَبِّ يَا ذَلِيقَ الْأَنْعَامِ وَاللَّهُمَّ

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا عَلِيُّ يَا وَحْدُ

يَا غَنِي يَا مَلِكُ يَا خَفِيُّ يَا رَاضِي

يَا زَكِي يَا بَدِي يَا قَوِي يَا وَلي

كَيْ يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ يَا مَنْ سَتَرَ

الْقَبِيحَ يَا مَنْ لَمْ يُولَخْذْ بِالْجَبْرِ

يَا مَنْ لَمْ يَهْزَلِ السِّرُّ بِأَعْظَمِ

العفو يا حسن التجاوز يا واسع

المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة

يا صاحب كل نجوى يا مندهى

كل شكوى يا ذا النعمة

السابقة يا ذا الرحمة الوسعة

يا ذا المنّة السابقة يا ذا الحكمة

البالغة يا ذا القُدرة الكاملة

يا ذا المحبة الفاطحة يا ذا الكرامة

الطاهرة يا ذا العزة الدائمة يا ذا القوة

المنينة يا ذا العظمة المنيعه كذا

يا يد بع السموات يا جاعل الظلمات

يا واهم العبرات يا مقبل العثرات

يا سائر العورات يا محيي الاموات

يا منزل الايات يا مضعف الحسنة

يا ماحي السيئات يا شديد العقاب

اللهم اني سئلت باسمك يا مصونا

مُقَدِّرُ يَامُدُّ بِوَيْامُطْهَرُ يَامُنُورُ

يَامُيَسِّرُ يَامُبَشِّرُ يَامُنْدِرُ يَامُقَدِّمُ

يَا مُؤَخِّرُ يَا رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَا

رَبَّ الشَّهْرِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الْبَلَدِ

الْحَرَامِ يَا رَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ يَا

رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الْمَسْجِدِ

الْحَرَامِ يَا رَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ يَا رَبَّ

النُّورِ وَالظُّلَامِ يَا رَبَّ الْحَيَّةِ وَالنُّورِ

السَّلام يَا رَبُّ الْقُدْرَةِ وَالْإِكْرَامِ

يَا حَكَمَ الْحَاكِمِينَ يَا أَعْدَلَ الْعَادِلِينَ

يَا صَدَقَ الصَّادِقِينَ يَا أَظْهَرَ

الظَّاهِرِينَ يَا أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ يَا

أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ

يَا أَبْصَرَ النَّاطِقِينَ يَا شَفَعَ

الشَّافِعِينَ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ يَا

أَعَزَّ أَعْدَمَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ يَا سَنَدَ مَنْ

لَا سَدْلَ لَهُ يَا ذُرَّ مَنْ لَا ذُرَّ لَهُ

يَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ يَا غِيَاثَ مَنْ

لَا غِيَاثَ لَهُ يَا فَخْرَ مَنْ لَا فَخْرَ لَهُ يَا

عِزَّ مَنْ لَا عِزَّ لَهُ يَا مُعِينَ مَنْ لَا

مُعِينَ لَهُ يَا أَيْدِيَّ مَنْ لَا أَيْدِيَّ لَهُ

يَا أَمَانَ مَنْ لَا أَمَانَ لَهُ كَلَامُ اللَّهِ

إِنِّي سَأَلْتُكَ بِاسْمِكَ يَا غَاصِمُ يَا قَائِمُ

يَا دَائِمُ يَا رَاحِمُ يَا سَلَامُ يَا حَاكِمُ يَا عَالِمُ

يَا قَائِمُ

يَا قَاسِمُ يَا قَابِضُ يَا بَاسِطُ يَا عَاصِمُ

مِنْ اسْتَعْصَمَهُ يَا رَاحِمُ مِنْ اسْتَرْحَمَهُ

يَا غَافِرُ مَنْ اسْتَغْفَرَهُ يَا نَاصِرُ مَنْ

اسْتَنْصَرَهُ يَا حَافِظُ مَنْ اسْتَحْفَظَهُ

يَا مُكْرِمُ مَنْ اسْتَكْرَمَهُ يَا مُرْشِدَ

مَنْ اسْتَشَدَّ يَا صَاحِبَ رَجْحٍ مِنْ اسْتَصَحَّهُ

يَا مُعِينُ مَنْ اسْتَعَانَهُ يَا مُغِيثُ مَنْ

اسْتَغَاثَهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا غَنِيٌّ لَا يَضُرُّكَ

يَا لَطِيفًا لَا يَرَامُ يَا قَيُّوْمًا لَا يَنَامُ

يَا دَائِمًا لَا يَفْنُو ت يَا حَيًّا لَا يَمُوتُ

يَا مَلِكًا لَا يَزُولُ يَا بَاقِيًا لَا يَفْنَى

يَا عَالِمًا لَا يَجْهَلُ يَا صَمَدًا لَا يُطْعَمُ

يَا قَوِيًّا لَا يُضْعَفُ يَا اللَّهُمَّ إِنِّي

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا أَحَدِيًّا وَاحِدِيًّا

شَاهِدِيًّا بِمَا جُدَّ يَا حَامِدِيًّا يَا رَاشِدِيًّا

يَا بَاعِثِيًّا يَا وَلِيَّ رُشْدِي يَا ضَارِفِيًّا يَا نَافِعِيًّا

٢٦
كج يا اعظم من كل عظيم يا اكرم

من كل كريم يا ارحم من كل رحيم

يا اعلو من كل علو يا احكم من كل

حكيم يا اقدم من كل قديم يا اكبر

من كل كبير يا اطف من كل

لطيف يا اجل من كل جليل يا اعز

من كل عزيز يا اكرم الضعيف

يا اعظم المن يا كثير الخير يا قديم

الْفَضْلُ يَا دَائِمَ اللَّطْفِ بِالطَّيْفِ

الصُّنْعِ يَا مَنْفَسَ الْكَرْبِ بِكَاشِفِ

الضَّرِّ يَا مَالِكَ الْمُلْكِ يَا قَاضِيَ الْحَوْ

لِهِ يَا مَنْ هُوَ فِي عَمْدِهِ وَفِي يَامِنْ هُوَ

فِي وَفَائِهِ قَوِيٌّ يَا مَنْ هُوَ فِي قُوْنِهِ عَلِيٌّ

يَا مَنْ هُوَ فِي عُلُوِّهِ شَرِيفٌ يَا مَنْ هُوَ

فِي قُرْبِهِ لَطِيفٌ يَا مَنْ هُوَ فِي لَطْفِهِ

شَرِيفٌ يَا مَنْ هُوَ فِي شَرَفِهِ عَزِيزٌ

يَا مَنْ هُوَ فِي عِزِّهِ عَظِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي

عَظَمَتِهِ حَمِيدٌ يَا مَنْ هُوَ فِي مَجْدِهِ حَمِيدٌ

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا مَنْ سَمِعَ بِاسْمِكَ يَا كَافِي

يَا شَافِي يَا وَافِي يَا مُعَافِي يَا هَادِي

يَا رَاضِي يَا قَاضِي يَا رَاضِي يَا عَالِمِي يَا بَاقِي

لَوْ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لَهُ يَا مَنْ

كُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لَهُ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ

كَائِنٌ لَهُ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ مُوجُودٌ بِهِ

يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ مُنِيبٌ إِلَيْهِ يَا مَنْ كُلُّ

شَيْءٍ خَائِفٌ مِنْهُ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ قَائِمٌ

بِهِ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ صَائِرٌ إِلَيْهِ يَا مَنْ

كُلُّ شَيْءٍ يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ

هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ يَا مَنْ لَا مَقَرَّ

إِلَّا إِلَيْهِ يَا مَنْ لَا مَفْزَعَ إِلَّا إِلَيْهِ

يَا مَنْ لَا مَقْصِدَ إِلَّا إِلَيْهِ يَا مَنْ لَا مَنَاجَى

مِنْهُ إِلَّا إِلَيْهِ يَا مَنْ لَا يُرْغَبُ إِلَّا

إِلَيْهِ يَأْمَنُ لَاحَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِهِ

يَأْمَنُ لَا يَسْتَعَانُ إِلَّا بِهِ يَأْمَنُ لَا

يَتَوَكَّلُ إِلَّا عَلَيْهِ يَأْمَنُ لَا يُجِئُ

إِلَّا هُوَ يَأْمَنُ لَا يُعْبَدُ إِلَّا إِيَّاهُ ط

يَا خَيْرَ الْمَرْهُومِينَ يَا خَيْرَ الْمَرْغُوبِينَ

يَا خَيْرَ الْمَطْلُوبِينَ يَا خَيْرَ الْمُسْتَوْجِبِينَ

يَا خَيْرَ الْمُقْصُودِينَ يَا خَيْرَ الْمَذْكُورِينَ

يَا خَيْرَ الْمُشْكُورِينَ يَا خَيْرَ الْمُحْبُوبِينَ

يَا خَيْرَ الدَّعُوعِينَ يَا خَيْرَ الْمُسْتَجِيبِينَ

لِي أَلَهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا

غَافِرُ بَاسَاتٍ يَا قَادِرُ يَا قَاهِرُ يَا فَطِيرُ

يَا كَاسِرُ بَاجَائِرٍ يَا ذَاكِرُ يَا نَاطِرُ يَا حَيُّ

مَا أَلِيَّ مَنْ خَلَقَ فَسَوَّى يَا مَنْ قَدَّرَ

هُدًى يَا مَنْ يَكْشِفُ الْبَلَاءَ يَا مَرْ

يَسْمَعُ النُّجْوَى يَا مَنْ يُفِضُ الْغَمَّ

يَا مَنْ يُنْجِي الْهَالِكِ يَا مَنْ يَشْفِي الْمَرْضَى

يَا مَنْ أَضْحَكَ وَأَبْكَ يَا مَنْ أَمَاتَ

وَأَجَى يَا مَنْ خَلَقَ الرُّوحَيْنِ الْكَوْثَرَ

وَالْأُنْثَى يَا مَنْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ

سَبِيلُهُ يَا مَنْ فِي الْأَفَاقِ آيَاتُهُ يَا مَنْ

فِي الْأَيَّاتِ بُرْهَانُهُ فِي الْمَوَاتِ قُدْرَتُهُ

يَا مَنْ فِي الْقُبُورِ عِبْرَتُهُ يَا مَنْ فِي الْقَبْرِ

مُلْكُهُ يَا مَنْ فِي الْحِسَابِ هَيْبَتُهُ يَا مَنْ

فِي الْمِيزَانِ قِضَاؤُهُ يَا مَنْ فِي الْجَنَّةِ

يَا مَنْ

تَوَابُهُ يَا مَنْ فِي النَّارِ عِقَابُهُ وَفِي الْجَنَّةِ نَجَاتُهُ
مَنْ لَيْسَ بِهِ يَهْرَبُ الْخَائِفُونَ يَا مَنْ
لَيْسَ بِهِ يَفْزَعُ الْمَذْنُوبُونَ يَا مَنْ لَيْسَ بِهِ
يَقْصِدُ الْمُنِيبُونَ يَا مَنْ لَيْسَ بِهِ غِيْبُ
الرَّاهِدُونَ يَا مَنْ لَيْسَ بِهِ بَلَاءُ
الْمُتَحَيِّرُونَ يَا مَنْ بِهِ يَسْتَأْنِسُ
الْمُرِيدُونَ يَا مَنْ يَفْتَحُ الْمَحْجُوبُونَ
يَا مَنْ فِي عَفْوِهِ يَطْمَعُ الْخَائِفُونَ

يَا مَنْ إِلَيْهِ سَكَنُ الْمُوقِنُونَ يَا مَنْ
عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ يَا اللَّهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا حَبِيبُ يَا
طَبِيبُ يَا قَرِيبُ يَا ذَا قَبِيبُ يَا حَبِيبُ
يَا مُجِيبُ يَا مُتَجِيبُ يَا مُنِيبُ يَا مُجِيبُ
يَا خَيْرُ يَا بَصِيرُ يَا أَقْرَبُ مِنْ
كُلِّ قَرِيبٍ يَا أَحَبَّ مِنْ كُلِّ حَبِيبٍ
يَا أَبْصَرَ مِنْ كُلِّ بَصِيرٍ يَا أَخْبَرَ مِنْ

كُلِّ خَيْرٍ يَا أَشْرَفَ مِنْ كُلِّ شَرِيفٍ

يَا أَرْفَعَ مِنْ كُلِّ رَفِيعٍ يَا أَقْوَى مِنْ

كُلِّ قَوِيٍّ يَا أَغْنَى مِنْ كُلِّ غَنِيٍّ يَا

أَجْوَدَ مِنْ كُلِّ جَوَادٍ يَا أَرْوَفَ مِنْ

كُلِّ رَوْفٍ يَا غَالِيَا غَيْرَ مَغْلُوبٍ

يَا صَانِعًا غَيْرَ مَصْنُوعٍ يَا خَالِقًا

غَيْرَ مَخْلُوقٍ يَا مَالِكًا غَيْرَ مَمْلُوكٍ

يَا قَاهِرًا غَيْرَ مَقْهُومٍ يَا أَلْفَعًا غَيْرَ